**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و شصتم\_6 اردیبهشت 1400**

**[ادامۀ تبیین فرمایش شریف العلما]**

بحث در این بود که آیا در مسائل اصولیه هم انسدادی هست تا مقدمات انسداد تطبیق شود یا نه؟ کلام مرحوم شریف العلماء را بررسی می کردیم.

یکی از فرمایشات ایشان این است که بخشی از مسائل اصولیه، وقتی شما دلیل انسداد را در فقه جاری می کنید، آن مسائل اصولیه خود به خود معلوم می­شود، و باب علم در آن­ها مفتوح است، مثل آن­جا که از راه شهرت ظنی به حکم فقهی پیدا کردید، نمی­شود این ظن به حکم فقهی حجت باشد، و حجیت شهرت ثابت شده، نباشد، احتیاج به اجرای مقدمات انسداد داشته باشد.

مطلب دوم ایشان این بود که بعضی از مسائل علم اصول از اول هم اگر معلوم نباشد، به وسیلۀ دلیل انسداد در فروع حجیت آنها معلوم می شود.

خلاصة الکلام دراین دو مطلب: **و بعض المسائل الاصولیه، صارت معلومة بدلیل الانسداد و بعضها صارت حجیة الظن فیها معلومة بدلیل الانسداد فی الفروع.**

مطلب سوم ایشان هم این بود که باقی مسائل از علم اول به حدی نیست که اگر مقدمات انسداد را جاری نکردیم، به اصول عملیه رو آوردیم مشکلی به وجود بیاید.

این مطالبی که شریف العلماء در وجه اول بیان کرد.

و اما وجه دوم برای اجرای مقدمات انسداد در اصول این است که بگوییم بالاجمال فرقی بین مسائل فرعیه و اصلیه در اجراء دلیل انسداد نیست.

جواب ایشان این است که خیلی واضح است که ما چنین اجماعی نداریم، و اتفاقا شهرت بر عدم اعتبار ظنون در اصول است.

ممکن است کسی بگوید من دلیل انسداد را هم در اصول جاری می کنم، هم در فروع و اختصاص به فروع نمی دهم، چون ترجیح بلا مرجح است.

جواب ایشان این بود که اینجا بحث ترجیح بلا مرجح معنا ندارد، چون مطالب اصولیه اهتمام بیشتری دارد و اصل در استنباط است، نباید در حجیت آن­ها مثل فروع گام برداشت، هر چه مسأله مهم­تر باشد، اهتمام به آن و این که ضریب خطا را کم کنیم بیشتر است.

پس این دو وجه از نظر شریف العلماء مخدوش است.

وجه سومی که در دو جلسۀ قبل خواندیم حال باید ببینیم شریف العلماء می پذیرد یا نه، این بود که مقدمات انسداد را در خصوص مسائل فرعیه جاری کنیم و این حجیت ظن در مسائل فرعیه از آن متولد می­شود ظن به مسائل اصولیه. چه طور اگر ظن به این پیدا کردید، که تیمم بر سنگ جایز است، از این حکم فرعی به این مسألۀ لغوی می رسید که صعید مطلق وجه الارض است، و آن باعث شده است که تیمم به سنگ جایز باشد، در این جا هم وقتی در مسألۀ فرعیه مقدمات انسداد را جاری کردیم، باید بدانیم منشأ این ظن در مسألۀ فقهیه چیست؟ منشأش عبارت است از ظن در مسائل اصولیه.

آقای شریف العلماء می فرماید باز هم حرف من این است که اصل حرمت عمل به ظنون است در مسائل اصولیه، و این بیان هم نارسا است؛ چون ما به دو قسم از مسائل اصولیه اشاره می­کنیم، مثل وجوب مقدمه، اجتماع امر و نهی، و دیگر مسائل عقلیه، ما که در اینها گفتیم ظن حجیت داد و دیگر نیازی به این حرف­ها نیست، اما آن بخشی از مسائل اصول که ظنون در آن حجیت ندارد، مثل مباحثی که در مورد خبر واحد داریم و مرجح و امثال آن،

**فلیس یتولد من الظن فیها، الظن بالحکم الفرعی الواقعی و إنّما ینشأ منه الظنُ بالحکم الفرعی الظاهری و هو مما لم یقتضِ انسدادُ باب العلم بالأحکام الواقعیة العمل بالظن فیه فأن انسدادَ باب العلم فی حکم العصیر العنبی إنّما یقتضی العملَ بالظن فی ذلک الحکم المنسد لا فی حکم العصیر من حیث اخبر عادلٌ بحرمته.**

به نظر می­رسد مقصود شریف العلما این است که ما یک ظن به حکم فرعی واقعی داریم، یک ظن به حکم فرعی ظاهری داریم. اگر فرض کنید باب علم به احکام واقعیه، منسد می­شود، باید سراغ ظنی رفت، که نتیجه­اش همان ظن به حکم فرعی واقعی باشد، انسداد باب علم به احکام واقعیه مثل این که من نمی­دانم حکم عصیر عنبی واقعا چیست، این انسداد باعث می­شود من عمل به ظنون کنم در همین حکمی که مسدود و منسد است، نه در حکم عصیر به حکم فرعی ظاهری

**یعنی** **من حیثُ اخبر عادل به حرمته. بل امثالُ هذه الاحکام الثابتة للموضوعات، لا من حیث هی، بل من حیث قیام الامارة الغیر المفید للظن الفعلی علیها ان ثبت انسداد باب العلم فیها، علی وجه یلزم المحذور من الرجوع فیها الی الاصول عمل فیها بالظن، و الّا فانسداد باب العلم فی الأحکام الواقعیه و عدم امکان العمل فیها بالاصول لا یقتضی العمل بالظن فی هذا الاحکام لأنّها لا تغنی عن الواقع المنسد فیه العلم**

شما اگر جایی باب علم به واقع برای شما منسد شد، درست است سراغ اصول نمی­توانید بروید، ولی معنای آن حجیت ظنون در این احکام نیست.

این وجه سوم بیان شریف العلماء در آن مقداری ابهام دارد، چون مرحوم شیخ رضوان الله علیه همین راه سوم را می­پذیرد و پاسخ شریف العلماء را می دهد ان شاء الله در جلسۀ آینده این ابهام بر طرف خواهد شد.

این تمام وجه اول، که خودش کلا شد سه قسم، از منع عمل به ظنون در اصول

**اما الثانی من دلیلی المنع هو** این که بگوییم شهرت محققه و اجماع منقول داریم بر این که ظن در مسائل اصول فقه حجیت ندارد. ببینیم آیا این شهرت و این اجماع محقق است یا نه؟

در صفحۀ بعد مرحوم شیخ راجع به این اجماع اشکالی مطرح خواهد کرد، ان شاء الله جلسۀ آینده منهای توجه به عبارت، یک نگاه دیگری به بیان خودمان ساده­تر به فرمایش مرحوم شریف داشته باشیم، بعد ببینیم مرحوم شیخ چه خواهد فرمود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.